

زیارت، چیستی، هدف و چرایی تأکید بر آن^۱

چیستی معنای زیارت

واژه ی «زیارت» از «زور» گرفته شده است. ابن فارس واژه شناس معروف، در کتاب معجم مقاییس اللغة می‌نویسد: الزاء والواو والراء، أصل واحد يدلّ على الميل والعدول؛ یعنی این واژه که از حروف «ز»، «و» و «ر» تشکیل شده، نشان دهنده تمایل و عدول است. حالِ زائر نیز از همین مقوله است؛ چرا که وقتی فردی به زیارت فرد دیگری می‌رود، تمایل به سوی او یافته و از دیگران عدول می‌کند. **زائر یعنی کسی که به یک طرف میل پیدا می‌کند و از ماسوای آن عدول می‌نماید.** پس واژه ی «زور» به معنای میل و عدول است. برای مثال، زائری که به آستان بوسی و زیارت امام رضا علیه السلام شرف‌یاب می‌شود، در واقع به حضرتش میل نموده و خود را با تمام وجود در محضر آن حضرت می‌بیند و از ماسوای آن بزرگوار عدول و اعراض کرده است. محدّث بزرگوار شیخ طریحی در مجمع البحرین می‌نویسد: در دعایی آمده است: اللهم اجعلني من زوّارك؛ خدایا! مرا از زائران خود قرار بده. این دعا چه معنایی دارد؟ چرا که خدای تعالی جسم نیست تا مکانی خاصّ و جهتی معین داشته باشد. معنای دعا چنین است: خدایا! مرا آن چنان قرار بده که فقط به تو تمایل و توجّه داشته باشم. وقتی انسان به خدا تمایل نمود، در واقع از ماسوای حضرت باری تعالی اعراض و عدول کرده است و از کسانی شده که به آن درگاه باشکوه پناه آورده، از او یاری طلبیده و کاری با ماسوای او ندارد.

صاحب مجمع البحرین در ادامه می‌نویسد: در حدیث آمده است: من فعل كذا فقد زار الله في عرشه؛ هر که فلان عمل را انجام دهد، خدا را در عرش خودش زیارت کرده است. یعنی خدا را قصد کرده و به او تمایل نموده و از ماسوای خدا عدول و اعراض کرده است. به سخن دیگر، اثر این عمل چنین است که خدای تعالی این شخص را به خود اختصاص می‌دهد، تمایل او را به سوی خودش قرار داده و او را از ماسوای خود منقطع می‌نماید.

۱ - برگرفته از کتاب با پیشوایان هدایت گرج ۱ - سید علی حسینی میلانی.

۲ - معجم مقاییس اللغة: ۳/ ۳۶.

۳ - مجمع البحرین: ۲/ ۳۰۴.

۴ - همان

زیارت در حقیقت، حضور حقیقی زائر نزد زیارت شونده است. از این رو، در بعضی کلمات آمده: «الزیارة حضور الزائر عند المذور». بعضی گمان می‌کنند که این حضور همان حضور ظاهری جسمی است و حال این که روایاتی برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله و ائمه ی اطهار علیهم السلام از راه دور داریم که نشان می‌دهد مراد حضور واقعی قلبی است که همان «میل» و «توجه» است و تحقق عنوان «زیارت» و ترتب آثار آن دائر مدار حضور و توجه باطنی است؛ از این رو خیلی از اوقات انسان در زیارت‌گاه حضور بدنی دارد، اما چون قلب او و فکرش در جای دیگر است اثری بر آن حضور بار نمی‌شود. به راستی چه مقام والا و با شکوهی است که تمام تمایل و توجه انسان فقط به سوی خداوند متعال باشد، به گونه‌ای که همواره به طرف حضرت حق حرکت کند، ما سوای او را پشت سر قرار دهد و از هر آن چه جز او است عدول نماید که در نتیجه چنین انسانی محض و خالص در خداوند متعال می‌گردد.^۵ اگر خداوند این کار را با انسانی انجام دهد و او را بپذیرد، او را از «مخلصین» (خالص شدگان) برای خود قرار داده است. این چه مقام والایی است؛ مقامی که تمام تلاش‌گران راه توحید در پی آن بوده‌اند و اساساً هدف همین بوده است!

زنده بودن امامان

نیکوست به اجمال یادآوری شود که بر حسب دلالت آیات و روایات و ادله ی دیگر شیعه ی اثنی عشریه معتقد است که انبیای الهی و اوصیای آن‌ها زنده هستند. آن بزرگواران زایران خویش را می‌شناسند و به آن‌ها عنایت دارند.

در کامل الزیارات آمده است: حضرت امام صادق علیه السلام درباره حضرت سیدالشهداء علیه السلام فرمودند: *وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى زَوَّارِهِ، فَهُوَ أَعْرَفُ بِهِمْ وَأَبْأَسْمَاءُ آبَائِهِمْ وَ مَا فِي رَحَالِهِمْ مِنْ أَحَدِهِمْ بَوْلَدِهِ، وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَيَسْأَلُ أَبَاهُ الْاِسْتِغْفَارَ لَهُ وَيَقُولُ لَهُ: أَيُّهَا الْبَاكِي! لَوْ عَلِمْتَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ لِفَرَحَتِ أَكْثَرُ مِمَّا حَزَنْتَ، وَإِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ؛* آن بزرگوار به زایران خود می‌نگرد و به اسامی آن‌ها، پدران‌شان و آن چه در باره ی ایشان دارند، آگاه‌تر از آنان به فرزندان‌شان است. آن حضرت به گریه کنندگان خود می‌نگرد و برای آنان درخواست آمرزش می‌کند و از پدر بزرگوارش نیز می‌خواهد که برای آنان طلب آمرزش کند و به

^۵ - لازم به تذکر است که در ای جا منظور معانی عرفان بشری و تصوف مورد نظر نیست بلکه منظور خلوص در توجه به ذات مقدس الهیست.

^۶ - کامل الزیارات: ۲۰۶، باب ۳۲، حدیث ۲۹۲، الامالی، شیخ طوسی: ۵۵، حدیث ۷۴

گریه کنندگانش می‌فرماید: ای کسی که برای من گریه می‌کنی! اگر بدانی خداوند چه نعمت‌هایی برای تو آماده کرده، به یقین سرور و شادی تو بیش از اندوهت خواهد بود. به راستی که خداوند متعال تمام گناهان و لغزش‌های تو را می‌آمرزد!

البته این اعتقاد و نقل این روایات اختصاص به ما ندارد؛ بلکه **پیروان مکتب خلفا نیز به زنده بود انبیاء و اولیاء معتقدند؛** و شخصی مانند حافظ جلال الدین سیوطی در این مسئله کتاب نوشته است. آن‌ها از رسول الله صلی الله علیه و آله احادیثی نقل کرده‌اند از جمله آن که آن حضرت فرمود: من زارنی بعد وفاتی ...^۷ و حدیث دیگری که فرمودند: من سلّم علیّ من عند قبری سمعته ...^۸

از گروه وهابیت که چشم پیوسته، این عقیده‌ی همه مسلمانان است. شاید جامع‌ترین سخن در این مورد کلام شیخ مفید رحمه الله باشد که فرموده است: **وإن رسول الله والأئمة من عترته خاصّة، لا يخفى عليهم بعد الوفاة أحوال شيعتهم في دار الدنيا بإعلام الله تعالى لهم ذلك، حالاً بعد حال، ويسمعون كلام المناجی لهم في مشاهدهم المكرّمة العظام، بلطفية من لطائف الله تعالى ينبئهم بها من جمهور العباد وتبلغهم المناجاة من بُعد، كما جاءت به الرواية؛** به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان از عترت آن بزرگوار -به‌خصوص- پس از وفاتشان از حالات شیعیان‌شان آگاه بوده و احوال آن‌ها بر ایشان مخفی نیست؛ زیرا که خداوند متعال آن‌ها را لحظه به لحظه از حال شیعیان‌شان آگاه می‌کند. آنان سخن کسی را که در کنار قبور گرامی آن‌ها به نجوا می‌پردازد به عنایت ویژه‌ای از عنایت‌های خاص خدا می‌شنوند که خداوند بدین وسیله آن‌ها را از عموم بندگان ممتاز ساخته و مناجات شیعیان را از راه دور به آن‌ها می‌رساند، آن سان که در روایات آمده است.

زیارت انبیا و حجت‌های الهی؛ زیارت خدا

محدث جلیل القدر شیخ صدوق رحمه الله این گونه روایت می‌کند: **زيارة الله زيارة أنبيائه وحُجَّجه صلوات الله عليهم، من زارهم فقد زار الله عزوجل؛** زیارت خدا، همان زیارت پیامبران و حجت‌های اوست. هر که آنان را

^۷ - کامل الزیارات: ۴۵، حدیث ۱۸، تلخیص الحبیر: ۴۱۷ / ۷

^۸ - اوائل المقالات: ۷۳، حدیث ۴۹

^۹ - اوائل المقالات: ۷۳، حدیث ۷۲

^{۱۰} - من لا يحضره الفقيه: ۲ / ۹۲ و ۹۳، حدیث ۱۸۲۴

زیارت کند، در واقع خدای تعالی را زیارت کرده است. آری، زیارت پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام، همان زیارت خدای تعالی است؛ چرا که در حدیثی می‌خوانیم که حضرتش می‌فرماید: مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ تَابَعَهُمْ فَقَدْ تَابَعَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛ «هر که از آنان فرمان برد، در واقع از خدا فرمان برده است و هر که از فرمان آنان سرپیچی کند، در واقع از فرمان خدا سرپیچی نموده است و هر که از آنان پیروی نماید، در حقیقت از خدا پیروی کرده است. چنین ارتباطی میان خدای متعال از طرفی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت از طرف دیگر وجود دارد. با توجه به معنایی که از زیارت مطرح شد، اگر کسی بخواهد خداوند متعال را زیارت کند، بایستی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام را زیارت نماید که البته توجه به این حضرات و اعراض از ماسوای آنها، توجه به خدا و اعراض از ماسوای اوست.

شبهه‌ای واهی

بنابرآن چه بیان شد، زیارت ائمه ی اطهار علیهم السلام در حقیقت زیارت خدای تعالی است و مجاز را در این حقیقت و واقعیت راهی نیست. یکی از معاصران - به نقل نشریه‌ای - چنین می‌پندارد که زیارت ائمه ی اطهار، محبت به ائمه ی اطهار است. به تعبیر او، ع شق به ائمه، ع شق مجازی است و ع شق حقیقی، همان ع شق به خداوند متعال است. این گفتار - بنابر تحقیق - بر خلاف مفاد روایات و همه ی ادله‌ای است که در دست داریم. بنابر ادله ی روشن، کسی که امام علیه السلام را زیارت کند، خدا را زیارت کرده است؛ پس کسی که می‌خواهد خدا را زیارت نماید، سیدالشهداء علیه السلام و امام رضا علیه السلام و ... را زیارت نماید، آن گاه که آن بزرگواران را زیارت کند، خدا را زیارت کرده است. همه‌اش حقیقت است. اصلاً میان ائمه ی اطهار علیهم السلام و خداوند متعال، عالم حقیقت است و برای مجاز در این عرصه راهی نیست. به طور کلی چنین نسبتی وجود ندارد که دوستی با اهل بیت علیهم السلام مجازی باشد تا به دوستی خداوند متعال برسیم. مگر دوستی اهل بیت غیر از حبّ خدای تعالی است؟ مگر اطاعت آنان غیر از اطاعت خداست؟ مگر عصیان و نافرمانی از آنان، غیر از عصیان و نافرمانی از خداوند متعال است؟ مگر پیروی از آنان غیر از پیروی از خداوند متعال است؟ شیخ صدوق درباره ی زیارت معتقد است: زیارة الله زیارة أنبیائه وحججه صلوات الله علیهم من زارهم فقد زار الله

عزوجل^{۱۲} زیارت خدای تعالی زیارت پیامبران و حجّت‌های اوست؛ هر که آنان را زیارت کند، خدای متعال را زیارت کرده است. این واقعیت و حقیقتی است که مجاز ندارد، آن سان که اطاعت و عصیان از آنان اطاعت و عصیان از خدای تعالی است. کوتاه سخن این که منظور از زیارت، توجّه داشتن و تمایل یافتن است؛ تمایلی که توأم با عدول و اعراض از غیر خداست. بنابراین، زیارت خدا در حقیقت، زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و میل به امام زمان علیه السلام همان میل به خدای تعالی است و به یقین، وقتی انسان واقعاً میل به خدا داشت، با این میل از غیر خدا عدول و اعراض کرده است. آن چه بیان شد، معنای زیارت از نظر لغوی بود و روشن شد که از دیدگاه قرآن^{۱۳} و روایات نیز زیارت به همین معنا آمده است و با توجّه به روایاتی که گذشت، واژه زیارت در دعاها و زیارت‌ها به همین معنا آمده است. بنابراین، بین منظور شارع مقدس از کلمه زیارت و مفهوم آن در اصل وضع لغوی اختلافی وجود ندارد.

هدف از زیارت

با توجّه به معنایی که از زیارت بیان شد، هدف و حکمت از زیارت نیز روشن گردید. حکمت زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام و تحمّل این همه رنج‌ها، هزینه‌ی اموال و صرف وقت‌ها همه روشن می‌شود و از طرفی، علت آن همه تأکیدی که بر زیارت ائمه اطهار علیهم السلام - به ویژه زیارت سالار شهیدان امام حسین علیه السلام در کربلا و امام رضا علیه السلام در طوس - شده، معلوم می‌گردد. بدیهی است که عقاید و هابیای پنداری بیش نیست، گرچه پاسخ آنان به تفصیل و در منابع مختلف پرداخته شده است؛

اکنون سخن بر اساس روایاتی است که از امامان معصوم علیهم السلام در این باره وجود دارد. بنابر معنای یاد شده از زیارت، هدف از این زیارت‌ها، قصد کردن، توجّه کامل و حضور قلب نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و در خدمت آن بزرگواران بودن است. به عبارت دیگر، **انسان با این زیارت‌ها خود را وقف این خط و مسیر می‌کند و از خطوط و مسیرهای دیگران عدول و اعراض می‌نماید.** ما به زیارت آن بزرگواران می‌رویم تا خدا را زیارت کنیم؛ یعنی در خدمت خدا باشیم، او را قصد نماییم و به او توجّه نماییم و از دیگران عدول کنیم. با توجّه به این هدف و حکمت می‌بینیم در عبارات اذن ورود به حرم‌های مطهر - چنان

^{۱۲} - همان

^{۱۳} - برای آگاهی بیشتر به کتاب المفردات فی غریب القرآن، واژه «زَوَرَ» مراجعه شود.

که در کتاب‌های دعا و زیارت آمده است - به خدای تعالی خطاب می‌کنیم و می‌گوییم: اللهم اِنِّکَ اَکرم مقصود و اَکرم مأتی وقد اَتیَکَ متقرباً اِلیکَ بابن بنت نبیکَ؛^{۱۴} خداوند! به راستی که تو گرامی‌ترین هدف و گرامی‌ترین میزبان هستی که من به درگاه تو آمده‌ام تا به وسیله ی فرزند پیامبر تو، مقرب درگاه تو گردم.

آری، ما در زیارت امام کاظم علیه السلام مثلاً به هنگام اذن ورود، خدای تعالی را این گونه مورد خطاب قرار می‌دهیم که مقصد من تو هستی و به سوی تو آمده‌ام و فرزند دختر پیامبرت را وسیله ی تقرب به تو قرار داده‌ام. عبارت دیگری در اذن دخول حرم آمده که دلالتش بر آن چه گفتیم واضح‌تر است: الحمد لله الَّذی منَّ عَلینا بحکامٍ یقومون مقامه لو کان حاضراً فی المكان؛^{۱۵} سپاس خدایی را که با حاکمانی که اگر خدا مکانی داشت آنان قائم مقام او بودند بر ما منت گذارد. بنابراین، هدف از زیارت که به معنای توجه است توأم با روی گردانی از غیر، همانا توجه تمام به سوی خداوند متعال و روی گردانی از غیر اوست.

چرایی تأکید فراوان بر زیارات

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا برای زیارات ائمه علیهم السلام - به ویژه زیارت امام حسین علیه السلام - این همه تأکید شده است؟ چرا باید هر شب جمعه برای زیارت سیدالشهداء به کربلا رفت و زیارت را تکرار کرد؟ پاسخ این پرسش نیز روشن شد؛ چرا که با یک مرتبه زیارت، به همان اندازه ارتباط و تمایل و عدول از غیر پیدا می‌شود که اگر این عمل تکرار شود، ناگزیر در نهاد انسان ملکه نفسانی می‌شود و جزو واقعیت و حقیقت او می‌گردد و انسان خواسته و ناخواسته در زمره عدول کنندگان از غیر و قصدکنندگان خداوند متعال می‌شود. به سخن دیگر، انسان بر اثر این زیارت و تکرار آن، حالت انقطاع از دیگران پیدامی‌نماید و مَحْض در زیارت شونده می‌گردد و به جایی می‌رسد که هرگز مال، مقام و اغراض دنیوی دیگر نتوانند او را از این شخص جدا کنند و به جاهای دیگر متمایل نمایند. آری، انسان نیازمند است که به این درجه از ارتباط برسد؛ چرا که او هر لحظه در معرض خطر است و امکان دارد به سبب کمترین خوف از کسی یا طمع به او و یا به اسباب دیگر، ارتباطش با این جایگاه هدایت کم شود، یا کم‌ترین ارتباطی با جاهای دیگر پیدا نماید. بنابراین، تکرار و کثرت بخشیدن به زیارت و ادامه ی آن و همواره حاضر شدن در بارگاه پیشوایان معصوم علیهم السلام،

^{۱۴} - بحار الانوار: ۱۴/۹۹، حدیث ۹.

^{۱۵} - همان: ۱۱۵/۹۹.

این اثر را در پی خواهد داشت که ناگزیر زایر انقطاع پیدا می‌کند و اگر انقطاع او حقیقی گردد، دیگر مطمئن خواهد شد و راه عدول و انحراف بسته خواهد شد و به راستی این حالت چه قدر ارزشمند است!

معرفت و شناخت ائمه از دیدگاه روایات

هر یک از ما به ائمه اطهار علیهم السلام به اندازه گستره ی فکری، فهم و درک خود معرفت داریم؛ ولی برای شناخت امامان معصوم علیهم السلام در روایات معرفتی، تأکیدهای ویژه‌ای وجود دارد. در روایتی که در کتاب کافی نقل شده، این گونه می‌خوانیم: زراره گوید: به امام باقر علیه السلام عرض می‌داشتم: أخبرنی عن معرفة الإمام منكم واجبة علی جمیع الخلق؟ آیا شناخت امام از شما خاندان بر همه مردم لازم است؟ حضرتش فرمودند: إنَّ الله عزوجل بعث محمداً صلى الله عليه وآله إلى الناس أجمعين رسولاً وحجةً لله علی جمیع خلقه فی أرضه؛ فمن آمن بالله وبمحمد رسول الله واتبعه وصدقته فإن معرفة الإمام منّا واجبة علیه؛ به راستی که خداوند متعال حضرت محمد صلی الله علیه وآله را برای همه ی مردم به عنوان پیامبر و حجت خود در روی زمین و برای تمامی آفریدگانش برانگیخت. پس، هر که مؤمن به خدا و به محمد رسول الله باشد و از او متابعت کرده و او را تصدیق نماید، معرفت امام از ما اهل بیت نیز بر او واجب است.

روی این نکته‌ای که تأکید شده، اگر معرفت مقامات و حقانیت امام علیه السلام بر تک تک ما واجب باشد، باید در پی معرفت باشیم و اگر معرفت داریم، بایستی در پی افزایش آن باشیم و جالب است که این مضمون از فرمایشات رسول اکرم و اهل بیت در کتب مکتب خلفا نیز روایت شده است. حافظ طبرانی به سند خود از امام مجتبی علیه السلام آورده که رسول الله صلی الله علیه وآله در حدیثی فرمودند: والذي نفسی بیده لا ینفع عبداً عمله إلا بمعرفة حقنا.^{۱۶} اگر وظیفه ما چنین مقرر شده و اگر این زیارت‌ها این اثر را در پی دارد، پس بایستی به این زیارت‌ها ملتزم بود؛ چرا که زیارت جنبه ی مقدماتی را برای آن امر واجب دارد. در روایت دیگری جابر گوید: از مولایم امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: إنما يعرف الله عزوجل ويعبد من عرف الله وعرف إمامه منّا أهل البيت. ومن لا يعرف الله عزوجل ولا يعرف الإمام منّا أهل البيت؛ فإنما يعرف ويعبد غیر الله؛^{۱۸}

^{۱۶} - الکافی: ۱/ ۱۸۱ - کتاب الحجة - باب معرفة امام، حدیث ۳

^{۱۷} - المعجم الاوسط: ۳/ ۱۲۲ - ۲۲۵۱

^{۱۸} - همان: حدیث ۴

تنها کسی به خدای تعالی شناخت دارد و او را می‌پرستد که خدا را بشناسد و امامش را از ما خاندان بشناسد. کسی که خدا را نمی‌شناسد و با امامی از خاندان ما اهل بیت نیز آشنا نیست، در واقع غیر خدا را می‌شناسد و می‌پرستد. با توجه به این روایت زیبا، اگر معرفت به ائمه علیهم السلام نباشد، عبادت غیر الله خواهد بود. از این رو معرفت امام واجب است تا عبادت خدا انجام پذیرد. و اگر زیارت امام علیه السلام موجب معرفت امام است، پس بایستی به زیارت رفت. روی همین اصل بعضی از فقهای فرقه ی ناجیه فتوا می‌دهند که قدر متیقن این است که زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام در کربلا در طول عمر برای کسی که تمکن دارد یک مرتبه واجب است. شیخ بزرگوار ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات، روایات بسیاری را در این زمینه نقل کرده است. از این رو در زمان‌های قدیم مردم با همه ی سختی‌ها برای زیارت به کربلا می‌رفتند و علما و فقهای ما نه تنها آن‌ها را منع نمی‌کردند، بلکه تشویق هم می‌نمودند؛ زیرا تحمل این مسیر موجب افزایش معرفت به امام علیه السلام است^{۱۹} و افزایش معرفت امام، همان عبادت خدای متعال است. در روایت جالب دیگری می‌خوانیم که حضرتش می‌فرماید: إِنَّكُمْ لَا تَكُونُونَ صَالِحِينَ حَتَّى تَعْرِفُوا وَلَا تَعْرِفُوا حَتَّى تَصَدَّقُوا وَلَا تَصَدَّقُوا حَتَّى تَسْلَمُوا؛^{۲۰} شما هرگز در زمره ی شایستگان قرار نخواهید گرفت مگر معرفت داشته باشید و معرفت نمی‌یابید مگر به مقام تصدیق برسید و به مقام تصدیق نمی‌رسید مگر تسلیم باشید.

مقام صالحان و شایستگان

با توجه به روایت نورانی ای که در بالا آمد، این پرسش مطرح است که صالحان چه کسانی هستند؟ این مقام و مرتبه، چه مرتبه‌ای است که حضرت ابراهیم دعا می‌کند و از خداوند این مقام را درخواست می‌نماید! چنان که در قرآن مجید آمده که عرضه داشت «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ»؛^{۲۱} و حضرت یوسف نیز گفت «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ»؛^{۲۲} آری، معرفت و شناخت بسیار مهم است و همان پیشینه ی مرتبه و مقام صالحان و شایستگان است. انسان با زیارت ائمه علیهم السلام و ابراز خضوع و فروتنی به صاحبان مقام عصمت و

^{۱۹} - که معرفت عنایت و اعطائی خداوند است.

^{۲۰} - همان: ۱۸۱ و ۱۸۲، حدیث ۶

^{۲۱} - سوره الشعراء (۲۶): آیه ۸۴

^{۲۲} - سوره یوسف (۱۲): آیه ۱۰۲

طهارت علیهم السلام، به مقام تسلیم می‌رسد و وقتی انسانی به مقام تسلیم رسید، معرفتش فزونی می‌یابد و با فزونی معرفت، به مقام صالحان و شایستگان دست می‌یابد.

در کتاب کافی در بخش معرفت و شناخت امام علیه السلام، حدیث نورانی دیگری از پیشوای ششم امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرتش می‌فرماید: **أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرَى الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِأَسْبَابٍ، فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَباً وَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحاً وَجَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْماً وَجَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَاباً نَاطِقاً، عَرَفَهُ مِنْ عَرَفِهِ وَجَهْلَهُ مِنْ جَهْلِهِ، ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَحْنُ؛**^{۲۳} خداوند همه ی اشیا را با اسباب آن به جریان افکنده است؛ از این رو برای هر چیزی سببی و برای هر سببی شرحی و برای هر شرحی علمی و برای هر علمی دری گویا قرار داده است. هر که آن را شناخت که شناخت و هر که نسبت به آن جهل ورزید، جاهل شد و آن در، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ما اهل بیت هستیم.

کوتاه سخن آن که انسان به برکت حضور- روحی و جسمی یا فقط روحی در زیارت‌های از راه دور، در پیشگاه ائمه علیهم السلام به مقام تسلیم نسبت به خدا، رسول و اهل بیت و انقطاع و عدول از دیگران می‌رسد و البته این مقام با تکرار و مداومت بر زیارت‌ها به دست می‌آید. امکان دارد برخی از اشخاص با یک مرتبه زیارت به این مرحله برسند؛ ولی چنان که بیان کردیم ناگزیر از تکرار و مداومت هستیم، تا آثار زیارت ائمه علیهم السلام بر ما مترتب شود که نتیجه آن، زیارت خداوند متعال خواهد بود.

بنابر آن چه در مورد زیارت بیان شد، منظور از زیارت همان معنای لغوی آن است که عبارت از میل به فردی که توأم با عدول و اعراض از غیر باشد. چنین زیارتی به دو وجه انجام می‌پذیرد: نخست زیارت جسمی و روحی. آن چه در درجه اول مورد امر واقع شده، همین وجه است. در این زمینه گویند: **الزَّيَارَةُ: حُضُورُ الزَّائِرِ عِنْدَ الْمَزُورِ؛** زیارت: حضور به تمام معنا در نزد زیارت شونده است. یعنی انسان با تمام وجود نزد او حضور داشته، روحاً و جسماً در محضر بوده باشد. در وجه دیگر زیارت روحی فقط. یعنی وقتی قدرت زیارت به معنای سابق نباشد، انسان از دور می‌تواند زیارت کند و ارتباط روحی برقرار نماید و برای همین، زیارت نمودن معصومین علیهم السلام از راه دور وارد شده است.

آداب زیارت در مکتب اهل بیت

آن چه در این مقام مهم است این که زیارت اشخاص فرق می‌کند. اگر انسان به زیارت شخص عادی برود، خود را در حدّ مقام و شخصیت او آماده می‌کند و اگر مقام او بالاتر باشد، انسان خود را بیشتر آماده می‌نماید؛ هم از نظر ظاهری خود را مرتب می‌نماید و هم از نظر باطنی و درونی. **انسان پیش از آن که به دیدار بزرگی برود، به طور معمول برخی از آداب را مراعات می‌نماید.** برای نمونه، خود را آماده می‌کند که چگونه با او برخورد کند، چگونه سلام نماید، چگونه احوال پرسشی کند، در برابر پرسش او چگونه پاسخ دهد و چگونه در حضور او بنشیند. در مکتب اهل بیت علیهم السلام پس از فراخوانی و تأکید بر اصل زیارت ائمه - که زیارت آنان زیارت خداست؛ یعنی اقبال، حضور و اعراض از غیر - به آداب زیارت پرداخته شده است. البته در صدور بخش بسیاری از زیاراتی که وارد شده، هیچ شک و تردیدی نیست. آداب ویژه‌ای در این زیارت‌ها - یعنی زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام و زیارت ائمه اطهار علیهم السلام - لحاظ و رعایت شده است. انسان باید برای زیارت آمادگی داشته باشد که حضرات علیهم السلام، چگونگی این آمادگی را بیان فرموده‌اند. برخی از آداب چنین است: زائر پیش از آغاز سفر زیارتی غسل کند؛ در طول سفر از سخنان بیهوده، مخاصمه و مجادله بپرهیزد؛ پیش از مشرف شدن به حرم مطهر غسل نماید؛ لباس‌های نو و پاکیزه بپوشد و به هنگام تشرف گام‌های خود را کوتاه بردارد.

البته دعوت ایشان به زیارت خودشان، راه دادن انسان به حضور، آموزش آداب دیدار، تعلیم سخن گفتن با آنان، چگونگی حالات ظاهری و باطنی، همه از باب لطف و از مصادیق قاعده لطف و از طبع بزرگ منشی و عظمت و شکوه اهل بیت علیهم السلام است.^{۲۴}

^{۲۴} - تنظیم، ویرایش و ارسال از سید محمد خردمند؛ به یاد پدر و مادرم که مرا با زیارت اهل بیت علیهم السلام مأنوس ساختند.